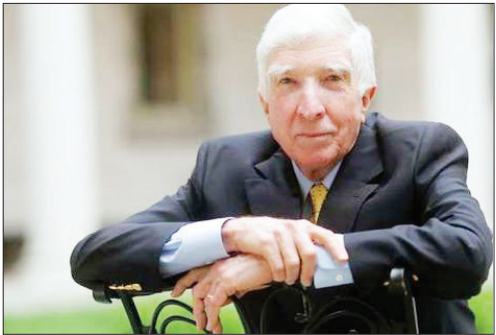




ترجمه: کاوه فولادی‌نسب

دروغ زیبای داستان **جان آدیدک**؛ داستان چیزی نیست جز زیرکانه‌ترین ابزاری که بشر تاکنون برای محک زدن و نمایش دادن خودش اختراع کرده است. روان‌شناسی واشعه ایکس بعضی حفره‌های بدبین را نشان می‌دهند، تصویرهای علمی و نمودارهای آماری تجزیه و تحلیل‌هایی مفید را ارائه می‌دهند، ولی برای درک تمام وکمال انسانیت، برای نزدیک شدن به پیچیدگی‌های زندگی، برای هوا رساندن، مقاوم کردن، گرم کردن و پیش بردن زندگی روزمره مهلک انسان امروز هیچ چیز مثل داستان نیست؛ داستان کاری می‌کند که جامعه‌شناسی آراسته به نظر بیاید، تاریخ پیچیده و رسانه سینما دوبعدی، نویسنده مدعی‌العمومی است که مدام درباره وضعیت و موقعیت حقیرانه و آکنده از تردید بشری بحث می‌کند.آ یا پاره گوئی، تراکم شکست‌های کوچک و روابط ناشوئی توأم با بیزاری و بی‌وفایی جزئی از وجود ما هستند؟ «اولیسس» می‌گوید مثل هومر آنها را به هیأت ادبیات درآورد. آیا زندگی‌ای در خودسنایی، بطالت، خستگی روانی یا اندوه تباه شده است؟ در «جست‌وجوی زمان از دست‌رفته» می‌گویند آن زندگی را تبدیل به کلیسایی از کلمه‌ها کنید. از اینکه تلاش‌های خودتان یا دیگران به نتایجی نایمیدکننده می‌رسند، عصبانی می‌شوید؟ ششبه ویرجنیا وولف بنویسید و در مسیر روشنگر و پویای نوشته‌تان واقعیت را به ما نشان دهید. آیا احساسی بدتر از عصبانی بودن دارید و فکر می‌کنید جهان به‌تمامی یک بی‌نظمی عظیم است؟ شبیه لویی فردیناند سلین بنویسید.می‌خواهید خلق‌و‌خوی آمریکای لاتینی داشته باشید؟ گابریل گارسیا مارکز را امتحان کنید. می‌خواهید بدانید در ترقی‌های نخبم‌ای زندگی امروزی چه می‌گذرد؟ به‌ریمودن کارور اجازه دهید تا درباره‌شان برایتان صحبت کنند.می‌خواهید درباره زندگی آپارتمانی جدید بدانید؟ حالا نوبت فردریک بار تلمی است. هیچ نفس و هیچ محلی آنقدر حقیر نیست که نتواند مکان داستانی سرگرم‌کننده و موزنده باشد. واقعیت این است که در داستان –اگر همه عوامل دیگر در شرایط مساوی قرار داشته باشند- زمینه‌های غنی و فریبنده کمتر از زمینه‌های فقیر و مفلوک قدرت باروری دارند. گوشه‌های گرد و خاک‌گرفته جهان جذاب‌تر از جاهای درخشانش هستند و کمتر هم درباره‌شان صحبت شده، در نتیجه این ارزش را دارند که زودتر به سراغ‌شان بروید. گرچه داستان را صرفا به‌خاطر اطلاعات نمی‌خوانیم، اما داستان می‌تواند اطلاعات‌دهنده هم باشد. بر خلاف روزنامه‌نگاری، تاریخ یا جامعه‌شناسی، داستان واقعیات را در شکل اصلی و حقیقی‌شان به ما نشان نمی‌دهد تا مثل دارو استفاده و جذب‌شان کنیم و مطمئن باشیم که حال‌مان بهتر خواهد شد. وقتی داستانی را می‌خوانیم، خودمان آن را به شکل حقیقی درمی‌آوریم. داستان می‌تواند فکر ما را مسموم کند؛ همان‌طور که «مادام بواری» و «دون کیشوت» با بعضی‌ها این کار را کردند. داستان دنیای ما را گسترش و توسعه می‌دهد و هر



توسعه‌ای نوعی خطر کردن است. خویشتنی که بعد از بستن کتاب با آن تنها می‌مانیم، شاید یک من قابل استفاده و قابل فروش نباشد. داستان قدرت در ک وضعیت و موقعیت‌های مختلف را توسعه و خواست آزادی را افزایش می‌دهد. و آزادی خطرناک است. جهان کاسب‌مسلک سرمایه‌داری توانسته حاکمیت قرون وسطایی و کمونیستی را ریشه کن کند، اما باید بدانیم که از هردوی آنها خطرناک‌تر است. در این جهان، شکست مفهومی مطلق است و پیروزی ممکن است عمری کوتاه داشته باشد. رمان و داستان کوتاه مولود بورژوازی و تمرین‌هایی برای احساس وجود دموکراسی و البته نوعی ماجراجویی شخصی هستند. داستان اعطاف‌پذیر ترین و پرفزیت‌ترین شکل هنری است و هنوز هم فضای بیکران‌ش را برای تخیل ما از دست نداده و هنوز هم می‌تواند به آرزوی درونی ما برای ماجراجویی بیشتر پاسخ دهد. اگر فردیت ما مهم نیست، پس چه چیزی مهم است؟ و کجا بهتر از دروغ زیبای داستان می‌توان با فردیت انسان روبه‌رو شد، آن را محک زد و از آن لذت برد؟

خبر چین

حال و هوای این روزهای محمدعلی کشاورز سریال نمی‌بینم فقط کتاب می‌خوانم



«پدرسالار» این روزها خانه‌نشین شده و کم‌ردرد و پادرد است که او را در خانه نگه داشته و یاد گذشته می‌کند. این روزها سریال «پدرسالار» از شبکه تماشاء در حال پخش است. همین شده که خبرنگارزای ایسنا سراغ محمدعلی کشاورز رفته و یاد و خاطره‌های گذشته را مرور کرده است. او می‌گوید: دو سال استراحت مطلق دارد و در خانه کتاب می‌خواند. کشاورز درباره این سریال گفته: «تقدر پولش را به ما نمی‌دهند؟» او می‌گوید: عواملی که در آن سریال بودند بهترین همکاری را با آنها داشته است. او به متن‌ها و کارگردان‌هایی که این روزها کار می‌کنند هم انتقاد کرده و گفته است: «در گذشته سریال‌ها از لحاظ متن و کارگردانی خیلی خوب بودند، ولی الان به نظر می‌رسد دوستان دیگر خیلی سواد کارگردانی و نویسندگی ندارند. آن زمان به یاد دارم برای انجام یک کار چندین بار متن توسط کارگردان و بازیگران دور هم خوانده می‌شد، چندین بار فیلمنامه تصحیح می‌شد تا درنهایت همانی شود که کارگردان می‌خواهد.» کشاورز که زمانی در سینما و تلویزیون وزنه‌ای بود این روزها حتی تلویزیون هم تماشا نمی‌کند: «۳۰ سال پیش زمانی که شما به دنیا نیامده بودید یک تلویزیون قدیمی خریدم که هنوز هم آن را دارم و گه‌گاهی روشنی می‌کند و الان هم آن را فقط به‌عنوان یاد‌گاری نگه داشته‌ام و اصلا فیلم و سریال نگاه نمی‌کنم و فقط کتاب می‌خوانم.» سریال «پدرسالار» خاطرانگیز است و جزء سریال‌های موفق آن سال‌های تلویزیون به شمار می‌رود؛ فیلمی که در آن مرحوم حمیده خیرآبادی، محمدعلی کشاورز، خسرو شجاع‌زاده، سیامک اطلسی، زنده‌یاد جمیله شیخی و بسیاری از بازیگران خوب ایران بازی می‌کردند.

■ در میان انبوه ضرب‌المثل‌هایی که وجود دارد شما سراغ نمونه‌های طنزش رفته‌ایدو آن را در کتاب «واژه‌های خندان» گردآوری کرده‌اید. انتخاب این ضرب‌المثل‌ها چه ضرورتی داشته است؟

ضرب‌المثل‌هایی که جمع‌آوری شده باشد زیاد است و نمونه‌های خیلی خوبی هم داریم. نمونه‌هایی مثل دو جلدی ذوالفقاری را می‌توان در این زمینه مثال زد. اما اینکه در یک کتاب فقط ضرب‌المثل‌های طنز جمع‌آوری شده باشد، من ندیدم. من چون در این سال‌ها کار طنز کرده‌ام چنین کتابی ندیده‌ام. وقتی سراغ ضرب‌المثل‌ها می‌رفتم و می‌خواندم و یا دیدگاه طنز به آنها نگاه می‌کردم آرام‌آرام دیدم می‌توانم آنها را جمع‌آوری کنم. این است اگر منبع دیگری در زمینه ضرب‌المثل‌های طنز موجود است حاضرم از تمام درخت‌ها به خاطر تبدیل شدن‌شان به کاغذ غدرخواهی کنم.

■ شما می‌گویید نگاه‌تان در این کتاب بر مبنای طنز بوده‌است. این دیدگاه طنز چقدر شخصی است یا چقدر معیار و ملاک مشخصی برای طنز بودن‌شان وجود دارد؟

این کتاب انتخابی است که هر شخص دیگری دست به کار آن می‌شد، تغییر می‌کرد. حتی اگر دو برادر دوقلو می‌خواستند دست به انتخاب بزنند مثل هم انتخاب نمی‌کردند. این کتاب درنهایت انتخاب احمد اکبرپور است. خیلی‌ها ایراد می‌گیرند، اما من می‌گویم اگر شما هم انتخاب می‌کردید ممکن بود من هم با بعضی از آنها مخالف بودم. واقعیت امر این است که من ملاکی را در نظر می‌گیرم و می‌گویم هر کس بیشترین ضرب‌المثل را بلد است ۲۰ نمونه برای من بگوید. اگر از این ۲۰ ضرب‌المثل ۱۵ مورد آن در این کتاب نبود این کتاب جامع طنزی نیست. ۱۰ نفر شعر نوی ایران را انتخاب می‌کنند اگر مثل هم باشد چرا ۱۰ نفر سراغ چنین کاری می‌روند؟

■ شما گزیده‌ه ضرب‌المثل‌ها را مثل گزیده شعر می‌دانید، چه ضرورتی دارد که این نوع دسته‌بندی داشته‌باشیم؟

در حالت عادی بیش از ۱۲۰ تا ۱۴۰ هزار ضرب‌المثل جمع‌آوری شده است. کسی که می‌خواهد طنز کار کند گزینه «واژه‌های خندان» کار او را که با چهار تا پنج هزار ضرب‌المثل سر و کار داشته باشد، راحت‌تر می‌کند. این است که از این نظر این کتاب به او کمک می‌کند. در زمینه شعر هم همین است. ممکن است کسی علاقه به تمام کتاب‌های منوچهر آتش‌ی یا پدالله رویایی نداشته باشد اما یک گزیده می‌تواند به او کمک کند. این انتخاب‌ها به فرهنگ تبیل کتابخوانی ما ربطی ندارد و مساله‌ای جهانی است.

■ در روند تهیه کتاب با ضرب‌المثل‌های بسیاری سر و کار داشته‌اید. به نظر شما کار کرد این ضرب‌المثل‌ها چیست؟

دو گزیده ترجمه در زمینه ضرب‌المثل وجود دارد که بسیار کارهای قوی‌ای هستند که ترجمه رضی هیرمندی است. «فرهنگ گفته‌های طنزآمیز» و «فرهنگ شیطان» کارهای قوی‌ای

تماشا

محمد رضا هدایتی از صدا پیشگی «پسر عمه ز ا» می گوید

سخت ترین ودلنشین ترین کار

است: «ما در هر قسمت موضوعات مشخص‌شده‌ای داریم. برای مثال گفته می‌شود قرار است فلان اتفاق برای پسرعمه‌زا بیفتد و بعد باقی داستان حرف بزند اما آرام‌آرام زبانش باز شد و انواع بازمگی‌ها را با خودش وارد قاب شیشه‌ای کرد. خبرگزاری مهر سراغ محمدرضا هدایتی رفته و از رابطه‌اش با «پسر عمه‌زا» حرف زده است. هدایتی که صداپیشه این عروسک است درباره نحوه کار ایرج طهماسب گفته

است: «ما در هر قسمت موضوعات مشخص‌شده‌ای داریم. برای مثال گفته می‌شود قرار است فلان اتفاق برای پسرعمه‌زا بیفتد و بعد باقی داستان حرف بزند اما آرام‌آرام زبانش باز شد و انواع بازمگی‌ها را با خودش وارد قاب شیشه‌ای کرد. خبرگزاری مهر سراغ محمدرضا هدایتی رفته و از رابطه‌اش با «پسر عمه‌زا» حرف زده است. هدایتی که صداپیشه این عروسک است درباره نحوه کار ایرج طهماسب گفته



نشوه



خندیدن از نگاه ایرانی در گفت وگو با احمد اکبر پور به‌بهانه انتشار کتاب «واژه‌های خندان»

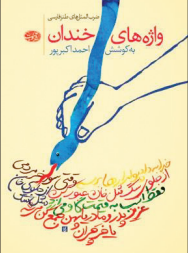
ایرانی‌ها به راحتی می‌خندند

مردمی که به شوخی های سطح پایین «اخراجی ها» می‌خندند حتما اهل طنز هستند

کتابی که قرار می‌گذارذ کلمه‌هایی را در خودش جا بدهد که خیلی‌ها را بخنداند، اسمش هم «واژه‌های خندان» نوشته‌احمد اکبرپور است و نشر آموث آن را منتشر کرده‌است. اما این کتاب چند ویژگی را در خود مجموع دارد. یکی اینکه واژه‌هایی که در این کتاب جمع شده‌اند همه از فرهنگ شفاهی ما جمع‌آوری شده‌اند و ضرب‌المثل‌هایی است که هر یک از ما از آنها در روز استفاده می‌کنیم. ضرب‌المثل‌هایی که کار کرده‌ای اجتماعی بسیاری دارند و حکمت آموزی یا تکه‌پرتی‌ها یا هر کار کرد دیگری را می‌توان در آنها دید. اما ضرب‌المثل‌ها هم گاهی مثل بسیاری گفته‌های طنز آمیز خنده را روی لب می‌نشانند. این مساله است که دست‌ما به احمد اکبرپور شده برای گردآوری کتابی که هم ضرب‌المثل است و هم خنداندن را در اولویت قرار می‌دهد. عمده شهرت اکبر پور به دلیل چاپ داستان‌های کودک و نوجوان است اما در زمینه طنز هم ورود پیدا کرده و کتاب‌هایی مثل «ششکول تحت ویندوز» یا «کشک‌های خفن» را هم در زمینه طنز منتشر کرده‌است. به بهانه «واژه‌های خندان» سراغ او رفته‌ایم و خندیدین از نگاه ایرانی را با او در میان گذاشته‌ایم.

پیدا می‌کند که چرا چنین کاری انجام داده‌ای. ضرب‌المثل‌ها مثل آب چشمه هستند که می‌توانند مورد استفاده قرار بگیرند. این روزها به من می‌گویند چرا گزیده طنز داشته‌ای؟ انگار اینها به طنز احتیاج ندارند و چون اینها احتیاج ندارند بنابراین کسی هم نباید چنین کاری انجام بدهد.

شما در زمینه طنز هم فعالیت می‌کنید و کتاب‌هایی چون «ششکول تحت ویندوز» یا «کشک‌های خفن» را هم منتشر کرده‌اید. وضعیت طنز در ایران به چه شکلی است؟ واقعیت این است که در زمینه طنز «هرغ



ادب و هنر

همسایه غاز است» را داریم. در چند سال اخیر که کارهای طنزم را منتشر کرده‌ام حتی در میان اهالی طنز کسی نه گفته خوب است و نه گفته بد است. سکوت محض بوده است. اتفاقا من دوست دارم بدانم در این زمینه کجای کار هستم. حتی جماعت ۴۰۰ یا ۵۰۰ نفره‌ای که طنز کار می‌کنند و دلمشغولی‌شان طنز است هم واکنشی نشان نمی‌دهند. فیلمسازا وقتی یک فیلم جدید ساخته می‌شود وسط می‌آیند و نقد و نظر می‌دهند. اما مثلا در همین کتاب طنز «واژه‌های خندان» کسی نگفت «خرت به چند» در همه بخش‌ها مثل فیلمنامه، فیلم، تئاتر و... طنز طرفدار بیشتری دارد. این است که می‌بینیم کارهای سطح پایینی که از بازیگران طنز سطح پایین استفاده می‌کنند طرفدار بیشتری دارند. رضا عطاران فیلم ضعیفی چون «رد کاریت» را در زمینه طنز می‌سازد، اما طرفدار خودش را دارد. طنز در همه جا جز در حوزه مکتوب طرفدار دارد. اما در حوزه مکتوب تو سری خورده‌است.

■ فکر می‌کنید چرا به گفته خودتان طنز مکتوب تو سری خورده‌است. این مساله فقط نشأت گرفته از طرف منتقدان است یا ریشه‌ای اجتماعی دارد؟

در مورد بحث جامعه‌شناختی‌اش باید گفت شناخت ما از طنز شناختی از طنز حقیر و کم‌مایه و سیاسی است که به محض اینکه به سمت ادبیات می‌رود طرفدار ندارد. ما همیشه طنزی را طنز می‌دانیم که پادشاه ستمگری آن طرف ماجرا هست و ما با آن شوخی می‌کنیم. در نوع سطح پایین‌ترش هم انگار حتما باید با «مادرزن» شوخی کنیم. ولی اگر طنزهای دیگری نوشته شود انگار شناختی از آنها نداریم.

■ معروف شده‌خنداندن ایرانی‌ها کار سختی است. چقدر با این نظری که مطرح می‌شود موافق هستید؟

موافق نیستم. بعد از فیلم سینمایی «اخراجی‌ها» فهمیدیم که مردم ما به هر حرف سطح پایینی می‌خندند. آمار فروش این فیلم را در نظر بگیرید. مگر این فیلم فروش نداشته است؟ شوخی‌های سطح پایین در آن وجود داشت که مردم با همین شوخی‌ها خندیده‌اند. اینکه ایرانی سخت می‌خندد را قبول ندارم. هیچ جایی نیست که در شب‌بینی‌ها مردم کنار هم این‌طور قافه‌ها نخندند. ایرانی بسیار شل می‌خندد. ■ طنزهایی که به‌صورت جوک واس‌ام‌اس مطرح می‌شود را مطرح‌ارز یابی می‌کنید؟ نمی‌دانم اشخاص خاصی اینها را می‌سازند یا گروه هستند، نمی‌دانم ولی یکی از قوی‌ترین‌های نوع طنز است و شک ندارم ذهن خلاق‌ی پشت این شوخی‌ها خوابیده است. همان‌طور که ما لطیفه و جوک داریم، طنز هم داریم. جوک‌ها به لحاظ بافتی با طنز ادبی متفاوت هستند. اما در مورد اینکه می‌گویند ایرانی را سخت می‌شود خنداند نمی‌دانم ملاک‌شان چیست. بدترین فیلم اکران شده بالاترین آمار فروش را داشته‌است؛ یعنی یک طنز سبک بیشترین آمار فروش را داشته و ایرانی‌ها هم با این نوع طنز خندیده‌اند.



شده و درنهایت آثار برگزیده معرفی شوند.او درباره زمان و نحوه برگزاری آن گفته است: «با توجه به برنامه‌ریزی‌هایی که انجام گرفته همراه اسمال تصمیم داریم اگر مشکلی پیش نیاید این رویداد موسیقایی را برگزار کنیم و تصور می‌کنم بعد از برگزاری اولین جشنواره موسیقی پاپ که سال ۷۶ برگزار شد این تنهاترین رویداد موسیقایی پاپ باشد که با حضور یک تیم حرفه‌ای از اهالی موسیقی برگزار می‌شود. البته بخش خصوصی برگزار کننده جایزه موسیقایی ققنوس خواهد بود.»

وقتی یک بازیگر قراردادش را با گروهی فسخ می‌کند آنها از نام و عکس او استفاده کنند؟ فیلم سینمایی نیازمند دریافت پروانه ساخت از سوی وزارت ارشاد است و باید در سینماها اکران شود. من نمی‌دانم چرا متولیان فرهنگی و مسئولان وزارت ارشاد به اتفاقاتی از این قبیل رسیدگی نمی‌کنند. من از کنار این مساله به سادگی عبور می‌کنم. اما اینکه این مساله به سادگی عبور می‌کند برای من یک سوال است. چرا از تصاویر من برای فیلم به اصطلاح سینمایی استفاده کردند و در باق‌لی‌ها توزیع کردند.؟ اما توضیحات مدیر روابط عمومی فیلم «تنهایی» نیز خواندنی است. «:فرامرز قریبیان در نقش سرتیم پنهان» که به مدت سه ماه و هـر روز در این پروژه بازی کرده و اتمام هم‌کاری‌اش هم به علت اتمام نقش شخصیتی ایشان در این فیلم بوده است. فیلم «تنهایی» دو قسمت از این سریال اپیزودیک است با یک داستان واقعی که ایشان نقش اصلی آن را بر عهده داشت و عکس استفاده‌شده نیز در پوست رفته عکس گرم آقای قریبیان در سریال است ضمنا نه‌تنها در هیچ بخش از اطلاعات منتشر شده روی DVD عنوان سینمایی نیامده است بلکه در شناسنامه درج‌شده در پشت قاب این فیلم عنوان (نوع برنامه؛ ویدیویی) درج شده و هیچ‌گونه سوءاستهاده‌ای از نام و تصویر ایشان صورت نگرفته است.»



خبر

واکنش دولت‌آبادی به جعل «زوال کلنل»



فرهیختگان: حالا دیگر «زوال کلنل» به یکی از معماهای پیچیده در فرآیند مجوزهای اداره کتاب تبدیل شده است و عده‌ای در مخالفت با اخذ مجوز آن در برابر موافقان اخذ مجوز این کتاب صف‌آرایی کرده‌اند. رمان محمود دولت‌آبادی در دولت‌نهم و دهم مجوز انتشار دریافت نکرد و به یکی از چالش‌های مهم اداره کتاب تبدیل شد. بنا روی کارآمدن دولت یازدهم، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون فرهنگی و رئیس اداره کتاب قول دادند تا مشکل مجوز این رمان برنده جایزه «پیان میخالسکی» ۲۰۱۳ سونیسن را برطرف کنند. آخرین اظهارنظر شجاعی صائین نیز حاکی از آن است که وضعیت این رمان به‌زودی مشخص خواهد شد. محمود دولت‌آبادی نیز برای تعامل با اداره کتاب و برطرف کردن مشکلات احتمالی بر سر «زوال کلنل» اعلام آمادگی کرده‌است. اما در این بازنگاه حساس، فروش غیرمجاز این رمان در بازار قاچاق کتاب، نویسنده «کلیدر» را عصبانی کرده است. دولت‌آبادی در واکنش به همین مساله است که در گفت‌وگو با ایسنا نسخه موجود در بازار قاچاق کتاب را جعلی اعلام می‌کند و می‌گوید: «وقتی از حراست وزارت ارشاد رفتند و کتاب‌های چاپ‌شده با عنوان «زوال کلنل» را توقیف کردند حدود ۴۷۰۰ نسخه بیشتر در دسترس نبود و بقیه را پخش کرده بودند. این طرف آن طرف شنیده می‌شود این کتاب جعلی است فروخته می‌شود. اصل است. همان روزهایی که این اتفاق افتاده بود گفتم این کتاب جعلی است و «کلنل» عملا دارد قربانی یک بازی می‌شود. به این ترتیب کتاب جعلی هیچ دخلی به «کلنل» - که باید در کشور ما ایران منتشر شود - ندارد. نثر من امضای من است. خوانندگان من هم توجه دارند که نثر آثار من از چه رنگی است و مطمئنا تشخیص می‌دهند این نثر، ترجمه جعلی و تحریف‌شده‌ای است که آن را پس زده‌اند، پس می‌زنند و من از آنها می‌خواهم آن را پس بزنند. این کتاب که به شکل قاچاقی منتشر شده، هیچ ربط و دخلی به اصل کتاب ندارد. امیدوارم اصل کتاب منتشر شود و این حواشی نکبت‌بار کنار زده شود.»

ایسنا گزارش می‌دهد نسخه جعلی و غیرقانونی رمان دولت‌آبادی با نام نشر گردون موجود است. دولت‌آبادی در این باره اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و خبر از گرفتن و کیل برای پیگیری شکایتش می‌کند. نویسنده «زوال کلنل» خیلی دلش می‌خواهد بداند چه کسی کمر به جعل رمانش بسته است. این‌طور که دولت‌آبادی می‌گوید در پی نوشت رمانش برای برطرف شدن هر گونه سوء تفاهمی توضیح داده است که وقایع رمان به ۳۶ - ۲۵ سال پیش مربوط می‌شود و نوشتنش به ۳۰ سال پیش برمی‌گردد. زمان حرکت می‌کند و این کتاب هم متوجه زمان و موقعیت خاصی است. دولت‌آبادی با نسخه ترجمه رمان «زوال کلنل» نامزد جایزه ادبی آمریکا برای بهترین کتاب ترجمه به زبان انگلیسی بود و نامش در فهرست نامزدهای اولیه جایزه بوکر آسیا نیز قرار گرفت.

برخلاف اعلام قبلی اکران آن در تاریخ ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۴ (۹ مرداد ۹۴) قرار است روز ۴ مارس ۲۰۱۶ (۲ اسفند ۹۴) به‌نمایش عمومی درآید. ■ **سینمایلاسن:** ابراهیم داروغه‌زاده، معاون فرهنگی بنیاد سینمایی فارابی دیروز رسماً از همکاران خود در این بنیاد خداحافظی و ساختمان سی تیر را ترک کرد.

■ **ایسنا:** محسن یگانه روزهای ۱۵، ۱۴ و ۱۶ شهریورماه در کرمانشاه کنسرت می‌دهد. ■ **مهر:** مهدی فخیم‌زاده که از چندی پیش خبر ساخت سرنالش با نام «فوق‌سری» رسانه‌ای شده بود، از تغییر نام آن به «قورباغه و قناری» و آغاز تصویربرداری از هفته آینده خبر داد.